فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

آیه پنجم: موعظه و جدال احسن 2

9ـ روش احسن در هدایت 2

سؤال: 4

پاسخ استاد: 4

10ـ نسبت روش‌های حکمت، موعظه و جدال 5

11ـ مراتب روش جدال احسن 5

سؤال: 6

پاسخ استاد: 6

سایر آیات 6

جمع‌بندی بحث رفق و مدارا 7

1. مفهوم‌شناسی 7

2. سطوح رفق و مدارا 8

فقه و سطوح مدارا 9

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)**

**اشاره به مباحث قبل:**

گرچه مهم‌ترین آیات مورد استشهاد قرار گرفت اما برخی آیات دیگر هم در رعایت ظرفیت و توان متربی و مدارا قابل توجه است.

## آیه پنجم: موعظه و جدال احسن

آیه پنجم بسیار مشهور است و مطالب زیادی هم شنیده‌ایم. سوره نحل آیه 125خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید:

«**ادْعُ إِلى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتي‏ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ**».[[1]](#footnote-1)

این آیه مورد بحث قرار گرفت و به گمانم هشت مسأله با نگاهی که ما به آن نیاز داریم، بررسی شد.

### 9ـ روش احسن در هدایت

نکته نهم که باید عجالتاً به آن توجه کنیم این است که با همه مقدماتی که بیان شد، این آیه با مسأله ظرفیت و توان متربی و رعایت رفق و مدارا در هدایت، تربیت و تبلیغ چه ربطی دارد؟ این مبحث نهم است.

پاسخش اینکه به‌طورکلی:

اولاً، وقتی سه فراز حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن را کنار هم قرار می‌دهیم، افاده می‌کند که در مقام هدایت، تربیت و تبلیغ دیگران راه‌هایی که بهتر اثر می‌کند، را برگزینید. جهت‌گیری آیه به این است که راه‌های سنجیده‌تر و اثرگذارتر را برگزینید. تعبیرات «حسنه»، «احسن» و «حکمت» که عبارت از روشی است که عقلانی و منطقی و سنجیده باشد، این حسن و سنجیدگی که در هر سه فراز آمده، حسن و سنجیدگی نسبی است نه ذاتی. گاهی گفته می‌شود که رفتار مؤدبانه داشته باش چون این آداب ارزش ذاتی دارد، غذا و رفت‌وآمد و ... آدابی دارد که مربوط به فعل بما هو‌هو است. کار به دیگری ندارد. گاهی همین اوصاف و زیبایی در مقام اثرگذاری بر دیگران به کار می‌رود. این دو باهم متفاوت است.

به‌عبارت‌دیگر، آداب اخلاقی و سنجیدگی عملی را دو نوع می‌توان به کار برد:

1ـ در مقام رفتار و کردار خود شخص در خانه و جامعه؛ که غلبه با نگاه ذاتی و درونی است.

2ـ در مقام هدایت و تربیت و تبلیغ و مقام تأثیرگذاری بر دیگران؛

اینجا از نوع مقام دوم است. «**ادْعُ إِلى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتي‏ هِيَ أَحْسَنُ**» در این مقام از این روش‌ها باید به کار گرفت.

عرف از این بیان استفاده می‌کند که رفق و مدارا و عطوفت و احساسات متربی و مخاطب باید در نظر گرفته شود. نرمش و ملایمت، شرایط روحی و حتی تدریجی بودن در نظر گرفته شود؛ پس پاسخ مطلب نهم این است که آیه در مقام دعوت، هدایت و تبلیغ است. آنچه از حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن به ذهن می‌آید و متبادر می‌شود این است که باید این شرایط را رعایت کنی پس بر رعایت توان و ظرفیت‌ها و خلق نیکو در مقام هدایت و تربیت تأکید دارد.

وقتی دلالتش تام است که دریافت عقلایی باشد. اگر صغرا و مقدمه نباشد از آیه چیزی نمی‌توان استفاده کرد. قرینه در حد قرینه متصله است و روشن است. «**ادْعُ إِلى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتي‏ هِيَ أَحْسَنُ**» یعنی باید با روش‌های خوب و درست و اثرگذار باشد، زیرا دریافت عقلایی به نحوی قوی است که در حد قرینه متصله است. این دریافت ساده و راحت است.

**سؤال:**

دلیل اخص از مدعا است؛ زیرا شامل انواعی از روش‌ها نمی‌شود مثل تشویق و تنبیه و ...

**پاسخ استاد:**

دیروز گفتیم که دعوت عام است و شامل همه انواع دعوت قولی می‌شود؛ اعم است از امر و نهی. لا یبعد که شامل عملیات رفتاری هم شود. حتی لا یبعد که شامل تشویق و تنبیه بشود. شمول دارد نسبت به روش‌های فراخوان.

برداشت از آیه با حکم قرینه صغروی و در حد متصله در همه فعالیت‌های تربیتی از مجموع سیاق استفاده می‌شود و هم از تک‌تک واژه‌ها و فقرات آیه؛ حکمت، موعظه حسنه و به خصوص جدال احسن، در مقام مجادله و مناظره هم باید به طریق احسن باشد. ذات مناظره و مجادله تندی است. انسان تحریک می‌شود که به‌نوعی انتقام‌جویی کند زیرا در ذاتش دعواخیز است و جنجال‌آفرین است. لذا جدال احسن دال بر نرمی بیشتر است. «**زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی**». در ذات گفتگوی طرفینی و مباحثه، پرخاشگری هست. لذا «احسن» و نرمش را آورده است. نرمش باید باشد نه انتقام‌جویی و روش‌های غیر حق. پس رعایت و توان و ظرفیت و رعایت رفق و مدارا هم از کل آیه استفاده می‌شود وهم از تک‌تک واژه‌های آیه.

### 10ـ نسبت روش‌های حکمت، موعظه و جدال

مطلب دهم این است که در آیه سه راه بیان کرده است که عبارت است از :

2.1. حکمت

2.2. موعظه حسنه

2.3. جدال احسن.

ولی «جادلهم» را عطف بر ادع کرده است. این از نوع ذکر خاص بعد از عام است. «ادع» فرمان به روش عام است و مجادله روش خاص است.

نسبت این سه با همدیگر آیا تباین است؟ قسیم هم هستند؟ یا عام و خاص است؟ در پاسخ دو احتمال مطرح است:

1) یک برداشت این است که هر سه قسیم هم است. روش عقلی، عاطفی و جدال (جدال و رویارویی) است. این برداشت تقریباً جا افتاده است.

2) ممکن است که بالحکمة معنای عام باشد؛ حکمت به معنای امر عقلانی و فلسفی نیست بلکه هر چیزی است که در سعادت شخص مؤثر است. موعظه حسنه و جدال احسن ذکر خاص بعد از عام است. علا رغم اشتهار نظر اول، دومی هم بعید نیست.

### 11ـ مراتب روش جدال احسن

نکته بعدی را که باید توجه کنیم این است که آیه شریفه در حقیقت مبنای دعوت و هدایت را بر روش‌های سنجیده و اثرگذار و دور از تندی می‌داند. از این آیه به‌خوبی قابل‌استفاده است اما آیه مطلق و قابل تخصیص است. می‌تواند تخصیص بخورد به مواردی از امر به معروف و نهی از منکر و جهاد که همراه با خشونت است. ممکن است کسی آیه را مطلق بداند و با روش‌های تند و خشن تخصیص خورده است. و همچنین قصاص و ... (اگر آن را هم روش تربیتی بدانیم). لذا تنبیه، جهاد و ... جزء مفهوم آیه نیست بلکه خارج از آیه است به دلیل قرینه منفصل؛ این یک احتمال است.

احتمال دیگر این است که الغای خصوصیت می‌شود. حکمت و موعظه روش عمومی است اما ذاتِ جدال، برخورد است. در جدال هم برخورد است و هم نیکویی است. جدال به‌عنوان مصداق روش تند پرخاشگرانه است. تندی هم انواعی دارد لذا در تنبیه و جهاد نیز باید به روش احسن عمل کرد. تنبیه محرومیت یا آزاردهندگی باید با روش خوب باشد. روش‌های تند هم انواع دارد. طبق این احتمال آیه اختصاص به روش‌های نرم و مدارا ندارد. جدال احسن در روش‌های تقابلی و تند نیز هست و بالفحوی شامل روش‌های تند دیگر هم می‌شود. پس تندی انواع دارد و آیه یک مدلول اضافی هم دارد. رفق و مدارا باید رعایت شود حتی در حال تندی هم باید سنجیدگی باشد. حکمت و موعظه هم دارای مراتب است.

**سؤال:**

مجموعه حکمت، موعظه و جدال سنخی از روش را می‌نمایاند. به آنچه بیان شد، دلالت ندارد.

**پاسخ استاد:**

تعمیم به همه روش‌هایی که مدالیل دارد، بعید نیست با الغای خصوصیت شامل روش‌های دیگر هم بشود. جدال احسن شامل روش‌های تند هم می‌شود که باید حساب‌شده باشد. در جهاد و امر به معروف و نهی از منکر عملی تند باید به روش حسن و احسن باشد.

### سایر آیات

این پنج آیه بود که بیان شد. البته آیاتی دیگری هم هست که می‌توان به آن‌ها تمسک کرد مانند آیات:

**«فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَيِّناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشى»[[2]](#footnote-2)‏؛** که خطاب به موسی و هارون است.

**یا آیه «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلاً سَديدا»[[3]](#footnote-3)**؛ اگر در مقام تبلیغ باشد.

اما اوضح و ابلغ در دلالت همین آیاتی بود که بحث کردیم؛ باقی آیات را مراجعه کنید.

## جمع‌بندی بحث رفق و مدارا

در جمع‌بندی کل مباحث نکاتی اشاره می‌کنم. نقشه جامع کل مباحث گذشته را ملاحظه بفرمایید. نکات کلیدی در جلسات چندماهه و متعدد این است که:

### 1. مفهوم‌شناسی

بحث رعایت توان متربی چند معنی و محور اصلی داست:

1.1. رعایت توان و قدرت به معنای امکان وقوعی؛

1.2. رعایت توان و قدرت به معنای عرفی؛

1.3. رعایت توان و قدرت به معنای عدم حرج؛

1.4. رعایت توان و قدرت به معنای عدم ضرر؛

1.5. رعایت توان و قدرت به معنای نفی ایذاء و اهانت به متربی؛

1.6. رعایت توان و قدرت به معنای آرامش و آسایش شخص؛

این شش درجه و رتبه‌های معنایی رفق و مدارا و رعایت توان متربی بود که عرض شد.

### 2. سطوح رفق و مدارا

محور دیگر این است رفق و مدارا چند سطح دارد. بر اساس سطوح و ساحت‌ها، چند قاعده فقهی داریم:

2.1. رفق و مدارا و رعایت توان مکلف از ناحیه شارع مقدس بحثی بود که مطرح نکردیم. مثال‌های قرآنی و روایی زیاد داریم از قبیل: **«رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِه»**[[4]](#footnote-4)؛ خداوند متعال این ظرفیت‌ها را رعایت کرده است.

2.2. یک سطح دیگر رعایت توان و ظرفیت شخص در ارتباط با خویشتن است که در مباحث «فقه التزکیه» مطرح می‌شود.

2.3. رعایت توان و ظرفیت متربی در ارتباط با دیگران؛ با قطع‌نظر از مقام تربیت. این بحث بیشتر در «فقه روابط اجتماعی» و «فقه العلاقات الاجتماعیه» مطرح می‌شود.

2.4. رعایت توان و ظرفیت متربی در مقام تربیت، هدایت و تبلیغ دیگران؛ که به استناد آیات و روایات و عقل مفصل بحث شد.

2.5. رعایت توان و ظرفیت متربی در مقام حاکمیت و ولایت؛ یعنی حاکم نسبت به اتباع خویش باید مراعات حال مردم را بکند.

ما در این سلسله مباحث به سطح اول و پنجم نپرداختیم؛ گرچه به وظایف حاکمیت اشاره کردیم.

### فقه و سطوح مدارا

اما به سه سطح دیگر (دوم تا چهارم ـ ارتباط با خویشتن، دیگران در روابط عمومی و ارتباط با دیگران در مقام تربیت) پرداختیم. در سطوح 2 و 3 و 4 هرکدام به باب خاص مربوط می‌شد. سطح دوم به «فقه تزکیه» و خودسازی مربوط می‌شود. لازم است فقه تزکیه کار شود.

سطح سوم به فقه روابط اجتماعی مربوط می‌شود که تولید شده ولی به نحو کامل کار و منقح نشده است.

سطح چهارم که اینجا مفصل بحث کردیم، ارتباط با دیگران در مقام تعلیم و تربیت، هدایت و تبلیغ است. این سه محور به سه کتاب فقهی مستقل نیاز دارد.

در جمع‌بندی مباحث دیگری هم هست که فردا انشاءالله مطرح می‌کنیم.

1. . نحل، 125 [↑](#footnote-ref-1)
2. . طه، 44 [↑](#footnote-ref-2)
3. . احزاب، 70 [↑](#footnote-ref-3)
4. . بقره، 286 [↑](#footnote-ref-4)